

مروری روشمند بر مبانی دینی آموزش نیروی انسانی از منظر نهج البلاغه

رحمت عباس تبار مقری* / فاطمه عباسی اصفهانی** / ذکریا محمدی تمری***

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۰۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۲۸

چکیده:

در دنیای پر تلاطم امروز، یکی از مهمترین مؤلفه‌ها، جهت حفظ و بقای سازمان، داشتن نیروی کار ماهر و آموزش دیده است، و با توجه به اینکه تأثیرپذیری از ارزش‌های نظام آموزشی بیگانه و درهم‌آمیزی آن‌ها با نظام آموزشی خود بیش از پیش شده است، بنابراین ضرورت بازگشت به منابع اصیل و غنی چون قرآن کریم و داشتن یک منبع آموزشی و پرورشی برای کارکنان سازمان‌ها بر مبنای مبانی اسلامی اهمیت بسیاری دارد. لذا با توجه به مورد مذکور، هدف پژوهش حاضر مرور سیستماتیک بر مبانی دینی آموزش و پرورش نیروی انسانی از منظر نهج البلاغه می‌باشد. به این منظور از رویکرد کتابخانه‌ای و روش تحلیل محتوای کیفی از متن نهج البلاغه در سه دسته خطبه‌ها، نامه‌ها و قصارها و تفسیر آن‌ها استفاده شد. نتایج حاصله شامل: ضرورت آموزش و پرورش نیروی انسانی، استفاده از روش الگوبرداری، لزوم پیروی از ابعاد والای تربیتی، ضرورت عمل به علم (دانش ذاتی یا اکتسابی) می‌باشد.

کلید واژگان:

آموزش، نیروی انسانی، مرور سیستماتیک، مبانی دینی آموزش، نهج البلاغه.

* دانشیار علوم سیاسی دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران. (نویسنده مسئول). r.abbastabar@umz.ac.ir

** دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت منابع انسانی دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران، fatemehastamabbasi@gmail.com

*** دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت منابع انسانی گروه مدیریت بازرگانی دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران. zakaria_2967@yahoo.com

۱- مقدمه و بیان مسئله

در جهان امروز مهمترین مؤلفه سازمانی که در سازگاری، بقا و توسعه بنگاه‌ها با توجه به تغییرات اقتصاد جهانی می‌تواند مؤثر واقع گردد، سرمایه‌دانشی یا منابع انسانی سازمان‌ها است. (خسروی و آرمان، ۱۳۹۲: ۵۰) و افزایش علم، دانش و تغییرات پرشتاب سبب شده است که سازمان‌ها، آموزش را در رأس برنامه‌های خود قرار دهند. (فربیا کریمی و محمدرضا سلیمی، ۱۳۹۴: ۴) در واقع آموزش به عنوان یکی از روش‌های توسعه منابع انسانی سازمان‌ها مطرح می‌باشد و هر سازمانی به افراد آموزش دیده و با تجربه نیاز دارد تا مأموریت خود را به انجام برساند. (ابطحی، ۱۳۸۲: ۵) آموزش نیروی انسانی به عنوان سرمایه‌گذاری، نه هزینه، بلکه یک ضرورت در سازمان‌ها بیان شده است (آرمان و خسروی ۱۳۹۲: ۵۲)، چرا که آموزش یکی از راه‌های اصولی و منطقی هدایت تلاش‌های کارکنان در سازمان است و باعث به کارگیری استعدادهای نهفته، به کار اندازی قدرت تخیل و به وجود آمدن حسن انعطاف‌پذیری فکری لازم در کارکنان خواهد شد (صبرکش، ۱۳۹۲: ۵) بررسی‌ها نشان داده است که آموزش کارکنان منجر به حفظ تداوم و بقای سازمان شده است، لذا لازم به تذکر است که آموزش یک وظیفه اساسی در سازمانها و یک فرآیند مداوم و همیشگی است و موقت و تمام‌شدنی نمی‌باشد. کارکنان در هر سطحی از سطوح سازمان، اعم از مشاغل ساده یا مشاغل پیچیده - مدیر یا زیردست - محتاج آموزش و یادگیری و کسب دانش و مهارت‌های جدید هستند و باید همواره برای بهتر انجام دادن کار خود از هر نوع که باشد، روشها و اطلاعات جدیدی کسب نمایند و مضافاً اینکه هر وقت شغل کارکنان تغییر پیدا کند، لازم است اطلاعات و مهارت‌های جدیدی برای ابقای موفقیت آمیز وظایف شغل مربوطه را فرا بگیرد (شریعتمداری، ۱۳۸۳: ۷). به منظور داشتن تعلیم و تربیتی صحیح، باید پایه و اساس مستحکمی داشت که به‌منظور داشتن این مهم لازم است به نظریات فلسفی - تربیتی گوناگون مراجعه نمود. تعلیم و تربیت در مکاتب و دیدگاه‌های فلسفی مختلف نظریه‌های مخصوص به خود را دارد و بر باورهایی استوار است (علیزاده، ۱۳۹۸: ۱۲). روش‌های تربیت اسلامی باید بر مبنای جهان بینی الهی و مقولات فلسفی (هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، ارزش‌شناسی و انسان‌شناسی) بوده و بر خدامحوری متکی باشد تا بتوانند افرادی متناسب با جامعه اسلامی و حیات طیبه پرورش دهند، زیرا با مبانی و روش‌های تربیت غیر دینی (سکولارسیم) که نگاه مادی به جهان داشته و بر انسان محوری استوار است، نمی‌توان انسانی با



ویژگی‌های الهی و اسلامی پرورش داد (عابدی، ۱۳۸۵؛ ۹). فلسفه تربیتی اسلام نیز به دلیل توجه به منابع اصیل و موثقی چون قرآن کریم و سخنان ائمه اطهار علیهم‌السلام می‌تواند کامل‌ترین و جامع‌ترین نظریات را در باب تعلیم و تربیت ارائه بدهد. در این راستا حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام تربیت یافته مکتب تربیتی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم دارای سخنان ارزنده و گران‌قدری می‌باشند. از جمله سخنان ایشان در نهج البلاغه یکی از غنی‌ترین منابع اسلامی است (علیزاده، ۱۳۹۸؛ ۱۱).

در این ارتباط پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید: *أنا أديبُ الله - وعلیُّ أديبی*: خداوند مرا تربیت کرد و من علی را تربیت کردم. (طبرسی، ۱۳۷۰، ج ۱: ۱۷). و حضرت علی علیه‌السلام نیز می‌فرماید: *إن رسولَ الله أَدَبُهُ اللهُ عَرَفَ وَجَلَّ وَهُوَ أَدَبُنِي وَ أَنَا أُؤَدِّبُ الْمُؤْمِنِينَ وَ أُورِثُ الْأَدَبَ الْمُكْرَمِينَ*. همانا رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با آداب الهی مؤدب گردیده، و او نیز مرا به همان روش تربیت نموده، و من هم وظیفه دارم مؤمنین و پیروان خویش را به همان کیفیت پرورش داده. (بحارالانوار، ج ۱: ۷۷) بنابراین از مهمترین مباحثی که حضرت امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام در سخنان گوه‌ر بار خود مضامینی از آن را به اشاره مطرح می‌سازد، موضوعات مربوط به علم و تعلیم است. (علوی، ۱۳۸۵؛ ۴) در واقع می‌توان گفت جامعه امروزی بیش از پیش به نهج البلاغه نیازمند است؛ مخصوصاً که امروزه خواه‌ناخواه تأثیرپذیری از ارزش‌های نظام تربیتی بیگانه و درهم‌آمیزی آن‌ها با نظام تربیتی خود بیش‌تر شده لذا ضرورت بازگشت به منابع اصیل و عظیمی چون قرآن کریم و سخنان ائمه اطهار علیهم‌السلام جهت برنامه‌ریزی نظام تربیتی بیش‌تر می‌گردد. (علیزاده، ۱۳۹۸؛ ۱۱) به همین خاطر، پژوهش حاضر به دنبال بررسی این سوال است که مبتنی بر آموزه‌های نهج البلاغه، چگونه می‌توان بصورت سیستماتیک و با استفاده از مبانی دینی به آموزش نیروهای انسانی پرداخت؟

۲ - مروری بر مطالعات پیشین

در ارتباط با موضوع آموزش و نهج البلاغه به طور کلی کارهایی اعم از کتاب، مقاله و پایان نامه انجام شده است (مانند کتاب تربیت از نگاه حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام / تألیف صدیق عربانی) و مقالاتی از قبیل روش‌های تربیتی در پرتو نهج البلاغه (سلطانی رنانی، ۱۳۸۷) به بیان روش‌ها و

راهکارهای علمی و عملی تربیت بر اساس دیدگاه‌های امام علی علیه السلام در نهج البلاغه پرداخته و در ارائه راهکارها و شیوه‌ها به ابعاد عاطفی و درونی انسان‌ها توجه بسیاری شده است. پرداختن به این نوع نگرش‌ها در تمام شیوه‌ها از جمله الگوبرداری و پیشگیری، تذکر و یادآوری، محبت و مدارا، عبرت آموزی و بصیرت آفرینی و بالأخره عفو، تغافل و تشویق و تنبیه به منظور تربیت انسان، نیاز عاطفی و مقتضای فطرت انسان‌ها است، که از دیدگاه‌های گوناگون قابل بحث است. علیزاد (۱۳۹۸) در مقاله‌ای تحت عنوان مبانی، اصول و روش‌های تربیتی از منظر امام علی علیه السلام، با تأکید بر خطبه یک نهج البلاغه، دریافت که مبنای اصلی در تعلیم و تربیت از منظر امام علی علیه السلام، خداشناسی و ایمان به او است. مبانی دیگر نیز با تأکید بر همان خطبه، عبارت‌اند از: اعتقاد به جهان‌شناسی الهی، اعتقاد به وجود ملائکه در تحول نظام آفرینش، اعتقاد به وجود پیامبر صلی الله علیه و آله، اعتقاد به وجود پیامبران الهی، اعتقاد به قرآن کریم و عمل به آن، اعتقاد به وجود امامان معصوم علیهم السلام اصول تربیتی همان دستورات عمل‌های کلی هستند که در امر تعلیم و تربیت باید به کار گرفته شوند، لذا اصول تربیتی از منظر نهج البلاغه (خطبه یک) عبارت‌اند از: رسیدن به خداشناسی از طریق شناخت صفات و قدرت خداوند متعال در خلقت موجودات، شناخت موجودات و اصل خلقت آن‌ها، ایجاد تزکیه و تهذیب نفس در خود، ایجاد صفات پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در مربی و انتقال آن به متربی و عمل دادن متربی به مربی. روش‌های تربیتی، راه‌های رسیدن به اهداف و مبانی می‌باشند، از منظر نهج البلاغه (خطبه یک) این روش‌ها را نیز می‌توان در موارد ذیل دانست: روش شکر و سپاس، روش استدلالی عقلانی، تفکر و مشاهده، مشاهده صفات خداوند در خلقت موجودات، آشنایی با خود پدیده‌ها، مطالعه متون مربوط به قرآن و نهج البلاغه و قرائت آن با زبانی ساده و نرم در قالب شعر و داستان به کودکان. در نهایت با توجه به این که خطبه یک نهج البلاغه یک نظام تربیتی کامل و جامعی را ترسیم می‌کند لذا توجه بیش‌تر معلمان و مربیان به این مبانی و اصول و روش‌های تربیتی و استخراج و به‌کارگیری آن‌ها در تعلیم و تربیت پیشنهاد می‌شود. همچنین در پژوهشی دیگر تحت عنوان تعلیم و تربیت هدف اصلی حکومت امام علی علیه السلام (پژوهنده، ۱۳۸۰) دریافت شد که خداوند سبحان مسأله تزکیه نفوس و تعلیم کتاب و حکمت را در رأس اهداف انبیاء قرار داده است (جمعه ۲/); این از یک سو، و از سوی دیگر، پیامبران الهی برای این که بتوانند اهداف

الهی خود را در جامعه انسانی عملی سازند به تشکیل حکومتی نیاز دارند تا در سایه تشکّل مؤمنان و سازمان خاص اجتماعی آن، تحت تدبیر و مدیریتی شایسته، بستر مناسبی را برای رسیدن به این مهم فراهم نمایند. بدین سان به طور طبیعی تشکیل حکومت، یک نیاز تبعی از نیاز واقعی آموزش و پرورش آدمیان است. علوی (۱۳۸۵) در مقاله خود با عنوان مبانی آموزش از دیدگاه امام علی علیه السلام، در قالب چهار بخش کلی به بررسی مبانی آموزش از دیدگاه آن حضرت پرداخت. در بخش اول، نظریات آن حضرت در مورد اهداف، تعلیم و آموزش معیارهایی که لازم است در مورد آن اهداف رعایت گردد، استخراج و تشریح شده است. زیرا بدون تبیین اهداف آموزشی از دیدگاه امیرالمؤمنین علیه السلام، استخراج و توضیح سایر موارد بعدی به درستی امکان پذیر نخواهد بود.

در بخش دوم با توجه به این که «روش ها» مبین شیوه های سوق یافته به سوی اهداف هستند، لذا بعد از تشریح مبحث اهداف، روش های تدریس و آموزش، مورد بحث و تحلیل قرار گرفته اند. بر همین اساس، چون روش های تدریس به منظور تبیین و پیاده نمودن محتواهای آموزشی، و هر دو در جهت وصول به اهداف، به کار برده می شوند، لذا بعد از بحث روش های تدریس به عنوان سومین بخش مقاله، مبحث محتواهای آموزشی توضیح داده شده است و در آن اصولی که ضروری است در گزینش محتوا لحاظ گردد، و انواع محتواهای آموزشی حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام مورد تشریح واقع شده است.

از آنجا که تمامی بحث ها راجع به اهداف، روش ها و محتواهای آموزشی، زیر مجموعه بحث کلی معرفت و شناخت هستند، بنابراین بر همین اساس به منظور درک هر چه بهتر مباحث مطرح شده، به عنوان بخش چهارم و نهایی مقاله، مبحث شناخت و معرفت طرح گردیده است و در آن جزئیاتی نظیر ابزار های شناخت به عنوان روش ها و وسایلی که سبب ایجاد معرفت در آدمی می گردند، منابع شناخت که به وسیله ابزارهای شناخت، از آن منابع، شناخت ها و معارف لازم را دریافت می داریم، و موانع شناخت به عنوان عواملی که می توانند سبب عدم راهیابی به سوی اهداف آموزش و از بین بردن کارایی و اثر بخشی مجموعه روش ها و محتواهای آموزشی و ابزار های شناخت گردند، مورد تشریح و تحلیل قرار داده شده اند.



روش‌های تربیتی ناظر بر رابطه تعاملی مربی و متربی از منظر نهج‌البلاغه جهت ارتقاء طرح تربیتی شجره طیبه صالحین بسیج (ندایی، ۱۳۹۵) از دیگر مقالات مؤکد بر بهره‌گیری از نهج‌البلاغه در زمینه تربیت و آموزش است. بدین صورت که روش‌ها در فرآیند تعلیم و تربیت از اهمیت بسزایی برخوردارند، کم و کیف روش‌ها به مبانی و اهداف تربیت برمی‌گردد. روش تعلیم و تربیت اسلامی نیز که از جهان‌بینی اسلامی نشأت می‌گیرد، بر خدامحوری مبتنی است. لذا برای دستیابی به روش‌های تربیت اسلامی که مناسب با جامعه اسلامی و طرح صالحین بسیج باشد، مراجعه به نهج‌البلاغه می‌تواند از جمله بهترین گزینه‌ها باشد. هدف از این تحقیق، استخراج و ارائه روش‌های تربیتی از نهج‌البلاغه، جهت ارتقاء "طرح صالحین بسیج" است. صلیبی (۱۳۸۰) مقاله‌ای را تحت عنوان تربیت از دیدگاه نهج‌البلاغه با هدف ارائه تصویری از نظام تعلیم و تربیت اسلامی به طور کلی و تربیت از دیدگاه امام علی علیه السلام در نهج‌البلاغه است. در این راستا، نخست جوانب مختلف نظام تعلیم و تربیت اسلامی توصیف و بنیاد تعیین اهداف تربیتی در اسلام عنوان شده است. سپس اهداف تعلیم و تربیت در اسلام مطرح می‌شود؛ که در این مورد، تقوا مهم‌ترین هدف اساسی تربیت ذکر شده است. در مرحله دوم، تربیت از دیدگاه نهج‌البلاغه به این ترتیب مطرح می‌شود: ابتدا نکاتی مهم از اندیشه‌های تربیتی حضرت علی علیه السلام به استناد شواهد مکتوب و بررسی‌ها عنوان می‌شود و سپس تلاشی که به استناد تحلیل محتوای تربیتی کتاب نهج‌البلاغه به صورت تألیف توسط نگارنده صورت گرفته و ضمن آن نکات تربیتی استخراج و براساس الگوی ارائه شده در ابتدای مقاله طبقه‌بندی شده است، ارائه می‌شود. «خدا شما را از شکم‌های مادرانتان خارج ساخت درحالی‌که هیچ‌گونه تجربه و دانشی از هیچ چیز نداشتید و برای شما گوش و چشم و فهم قرار داد تا شما با این سرمایه گران‌بها صاحب دانش و کمالات شوید.» قلم زد. (احمدی‌نسب، ۱۳۸۸: ۳۷) در پژوهشی با عنوان سیره آموزشی و تربیتی امام علی علیه السلام دریافت که برای موفقیت در امر تربیت رعایت مبانی و اصول بسیار ضروری است که اگر اصول و مبانی آن مراعات نشود امر تربیت به طور صحیح صورت نگرفته و نتیجه‌ی معکوس دارد. پس برای انجام یک تربیت صحیح هم رعایت اصول و مبانی و هم روش‌های صحیح الزامی است که این اصول و مبانی از نظر امام شامل اصل اعتدال، تدرج و تمکن، تسهیل و تیسیر، مدارا و ملایمت، کرامت، عزت، تفکر و تدبّر می‌باشد. هدف ما در این پژوهش دست پیدا کرن

به این پاسخ است که تعلیم و تربیت چه جایگاهی در اندیشه و عمل امام علی علیه السلام داشته است. در واقع تعلیم و تربیت یکی از اهداف اصلی خداوند سپس انبیا و اوصیا و به ویژه علی علیه السلام بوده است. انسان‌سازی و رساندن همه ی انسان‌ها به سعادت دو جهانی هدف اصلی همه ی این بزرگان بوده است ولی هر گاه در انجام این هدف موانعی ایجاد می‌شد و ناگزیر از جنگ بوده‌اند برای رسیدن به هدف اصلی خود جنگ را که راه حل آخر مسأله بوده است انتخاب می‌کردند ولی هیچگاه از هدف اصلی خود غافل نبوده‌اند.

لیکن بررسی های انجام شده، اینطور نشان می‌دهد که در رابطه با بررسی مبانی دینی آموزش نیروی انسانی از منظر نهج البلاغه کار خاصی انجام نشده است.

۳- مبانی نظری

۳-۱- نهج البلاغه

نهج البلاغه منتخبی است از خطبه‌ها، وصایا، دعاها، نامه‌ها و کلمات کوتاه امام علی علیه السلام که سید رضی در حدود هزار سال پیش جمع‌آوری کرده است. قابل ذکر است که نهج البلاغه به لحاظ جامعیت آن در نوع خود بی نظیر است. (شعبانی ورکی، ۱۳۷۳؛ ۸). نهج البلاغه دریایی از معارف حق می‌باشد که هزاران باب بر انسان می‌گشاید. نهج البلاغه فقط یک کتاب دینی یا معنوی نیست، بلکه یک کتاب تربیتی، اجتماعی، سیاسی، اخلاقی و... می‌باشد؛ لذا نهج البلاغه تنها به یک موضوع اکتفا نکرده و در ابعاد گوناگون جامعه بشری سخن گفته است. هم‌چنین انسان در کنار خواندن آن‌ها می‌تواند به بررسی و تحلیل آن‌ها هم بپردازد سپس در جامعه به کار گیرد (علیزاده، ۱۳۹۸؛ ۱۴).

۳-۲- مفهوم آموزش

برای واژه آموزش تعاریف بسیاری بیان شده است؛ برخی از متخصصان آموزش را بدین شکل تعریف نموده‌اند: کلیه کوشش‌هایی که در جهت ارتقای سطح دانش و آگاهی، مهارت‌های فنی و حرفه‌ای و شغلی و همچنین ایجاد رفتار مطلوب در کارکنان یک سازمان به عمل می‌آید و آنان را آماده انجام و پذیرش مسؤلیت‌های شغل خود می‌نماید. آموزش به فعالیت‌های از پیش طرح‌ریزی شده‌ای گفته می‌شود که باهدف ایجاد یادگیری در فراگیران به صورت کنش متقابل یا رابطه دوجانبه

انجام می‌شود. (سیف، ۱۳۸۱؛ ۱۳). آموزش به مفهوم تغییر دانش، نگرش و تعامل با همکاران است. آموزش کوشش در جهت تغییر آگاهی‌های افراد است که فرد را برای کسب آگاهی‌های تازه؛ برانگیخته و در جهت تغییر عادات و رفتارها پرورانده و جهت فکری و سرنوشت انسانها را عوض می‌کند. آموزش تجربه‌ای مبتنی بر یادگیری و به منظور ایجاد تغییرات نسبتاً پایدار در فرد، تا او راقادر به انجام کار و بهبودبخشی، توانایی‌ها، تغییرمهارت‌ها دانش، نگرش و رفتار اجتماعی نماید. بنابراین آموزش به مفهوم تغییردانش، نگرش و تعامل با همکاران است آموزش مجموعه روش‌هایی است که به وسیله آن مهارت‌های لازم برای انجام دادن کارها به کارکنان متناسب با نیازشان یاد داده می‌شود. (رایبیز، ۱۳۹۳). آموزش می‌تواند به عنوان فرایند اکتساب توانایی یا نگهداری و حفظ توانایی موجود تعریف شود. اساساً آموزش در بخشهای مختلف به دنبال تدارک تجربیاتی است تا رفتار کارکنان را در قلمروهای مهارت‌ها، دانش و نگرش توسعه و بهبود بخشد. (هامبلین، ۱۹۷۴؛ ۱۲)

النگ فورد و نیوکومب آموزش را به عنوان فرایند برنامه‌ریزی شده برای تغییر نگرش، دانش یا مهارت‌ها از طریق تجارب یادگیری میدانند. تا از این رهگذر عملکرد افراد در یک فعالیت یا مجموعه‌ای از فعالیت‌ها به شکل مؤثری تغییر یابد. هدف آن نیز در محیط کار عبارت است از توسعه توانایی‌های افراد و نیز برطرف کردن نیازهای حال و آینده سازمان. (لانگفور و نیوکامب، ۱۹۹۲). در بسیاری از کتب مدیریت، آموزش به عنوان یک ابزار مدیریت که نیازهای مهارتی و شغلی کارکنان را رفع کرده و موجب تحقق اهداف سازمان می‌شود، تعریف شده است. (سعادت، ۱۳۸۵). آموزش عبارت است از تمام فرایندهای متعددی که به وسیله افراد ایجاد می‌شود تا صلاحیت‌های متناسب با شغل‌های کارکنان در حال و آینده کسب شود (سیف، ۱۳۸۱؛ ۱۳). در همین زمینه، گاتر آموزش را نوعی کوشش نظام دار تعریف می‌کند که هدف اصلی آن عبارت است از هماهنگ و همسو کردن آرزوها، علایق و نیازهای آن افراد با نیازها و اهداف سازمان در قالب کارهایی که از افراد انتظار می‌رود؛ شاید بتوان این تعریف را مشابه تعریف گلدستاین دانست؛ او آموزش را یاد دادن نظام مند مهارت‌ها، قواعد، مفاهیم یا نگرش‌هایی می‌داند که در نهایت به بهبود عملکرد در یک محیط کار منجر می‌شود (صائمیان، ۱۳۷۹؛ ۸). همچنین این واژه اسم مصدر از آموختن (تعلیم) است و عبارت است از فعالیت‌هایی که به منظور ایجاد یادگیری در یادگیرنده از جانب آموزگار یا معلم طرح‌ریزی می‌شود و بین آموزگار و یک یا چند یادگیرنده به صورت کنش متقابل جریان می‌یابد. آموزش عبارت

است از القاء مفاهیم و معانی به فردی دیگر از طریق بیان، تصویر، ایما و اشاره، استدلال، مقایسه، استنتاج و یا تلقین آن از طریق مطالعه، عبرت‌آموزی، تأمل، تعقل و تدبیر و غیره.

۳-۳- مفهوم تعلیم و تربیت

تعلیم و تربیت فراهم کردن زمینه‌ها و عوامل برای به فعلیت رساندن و شکوفا ساختن همه‌ی استعدادها (مثبت انسان) و حرکت تکاملی او به سوی هدف مطلوب با برنامه‌ای سنجیده و حساب شده است (مصباح یزدی، ۱۳۶۰)

تعلیم و تربیت عمل عمدی فردی رشید است که می‌خواهد رشد را در فردی که فاقد ولی قابل آن است تسهیل نماید. (شکوهی، ۱۳۷۲؛ ۲۰). مراد از تربیت ربوبی شدن آدمی است. (باقری، ۱۳۸۸). در فرهنگ ما مفهوم تربیت مترادف با تعلیم و تربیت و آموزش و پرورش است و سابقه طولانی دارد. معمولاً چنین تعبیر شده و می‌شود که (تعلیم و تربیت) از همدیگر جدا هستند و هر یک به عمل خاصی اطلاق می‌شوند؛ بدین معنا که آموزش یا تعلیم دادن موضوع‌ها یا مهارت‌های خاص است و پرورش به آموزش‌های دینی و اخلاقی و غیره گفته می‌شود. محافل علمی و تربیتی این دو را از هم جدا نمی‌دانند و معتقدند که آموزش می‌تواند و می‌باید زمینه‌ای برای پرورش باشد و اگر آموزش با روش صحیحی انجام گیرد، نوعی پرورش است.

مریان بزرگ دو کلمه (آموزش و پرورش) را در یک مفهوم یعنی تربیت بکار می‌برند. آموزش تنها وسیله‌ای است که در مدرسه برای پرورش افراد در اختیار است. تحت تأثیر آموزش واقعی، تغییرات مهمی در عادات، نگرش‌ها، گرایش‌ها و شیوه برخورد با مسائل و خصوصیات فکری افراد به وجود می‌آید و سطح اطلاعات آنان بالا می‌رود؛ لذا با چنین تعبیری می‌توان دو واژه آموزش و تربیت را تا حدودی مشابه یک دیگر تعریف و تفسیر کرد.

۳-۳-۱- تربیت (آموزش) از دیدگاه نهج البلاغه

در خطبه ۳۷ نهج البلاغه آمده است: تو در نخستین مرحله آفرینش نادان بودی؛ پس از گذشتن از مرحله‌ای، دانا شدی. و چه بسیار است مطالبی که حکمت و مصلحت آن را نمی‌دانی، اندیشه‌ات در آن حیران است و بینش تو در آن گم و غافل! و پس از گذشت مراحل، درباره آنها آگاهی و بصیرت پیدا می‌کنی. براساس این خطبه، تعلیم و تربیت یعنی شکل‌یافتن انسان برای محیط زندگی و



بهره‌مندی مستمر از گنجینه‌های نبوغ که در درون عقل‌های زنده و بیدار نهفته است (ادیب، ۱۳۶۲: ۹۱-۹۰). بدین ترتیب، امام علی علیه السلام مقصود خود را از ماهیت تربیت و نیز هدف‌های تربیت و طبیعت آن روشن ساخته است و تربیت را در مفهوم ایمان به اصل شکل‌پذیری انسان عاقل از یک‌طرف و آماده‌ساختن محیط تربیتی برای دانش‌آموز از طرف دیگر خلاصه می‌کند. از خلال تحلیل‌هایی که علما و دانشمندان از اندیشه‌های امام علی علیه السلام انجام داده‌اند، معلوم می‌شود که آن حضرت طبیعت بشری و هستی ذاتی و مستقل آن را چگونه معرفی کرد. اول اندیشید که طبیعت بشری مجموعه متضادی از محرک‌ها و انگیزه‌های مختلف رفتاری است که انسان را وامی‌دارد در برابر آن موضعی اختیاری و ارادی بگیرد و بکوشد که این طبیعت بشری را از ساده بودن و سطحی بودن پاک و مبرا کند تا این طبیعت، هدف‌دار و معنادار شود و رسالت خود را به انجام برساند، مفهوم و محتوای آن با عمل جدی در زندگی و اجتماع تحقق پیدا کند، و نیروها و استعداد‌های فکری را برای تحکیم این طبیعت بشری و وادار ساختن آن به مرحله عمل و میدان فعالیت بسیج کند. امام علیه السلام در این باره به ما می‌فهماند که چگونه به بی‌طرف بودن این انسان و قابلیت رشد و شکل‌گیری و تحول او ایمان دارد؛ و فراموش نکرده است که اگر انسان در رفتارها و اعمالش بدعمل کند یا از مسیر منحرف شود، او را با وعده و هشدار و حساب آخرت بیدار و آگاه سازد. زیرا امام علیه السلام به قدرت اندیشه فعال و پرجوش انسان و امکاناتش در پرواز به فضا‌های اجتهاد و ابتکار ایمان و اعتقاد پیدا کرده است و بنابراین می‌خواهد که انسان همه نیروها و امکاناتش و نیز تمامی عواملی را که برای خیر و صلاح اجتماع و جامعه انسانیت و سعادت خود لازم است، به کار گیرد (ادیب، ۱۳۶۲: ۲۰۰-۱۹۹).

امام علی علیه السلام در باب دیگر تربیت، به خودسازی و شکل‌پذیری در این جهان هستی به‌مثابه یک قانون اصیل طبیعی تکیه می‌کند و معتقد است که خودسازی و شکل‌پذیری، ناموسی از نوامیس بقای اصلح در میان رسالت‌ها و امت‌هاست؛ بنابراین، رسالتی که همدوش با روح عصر و همگام با کاروان زمان حرکت می‌کند، در مراقبت و حفظ کیان و موجودیت خود قدرت دارد (ادیب، ۱۳۶۲: ۱۰۵).

اجتماعی که روحش از چنین رسالتی کمک می‌گیرد، مطمئناً به‌طرف عالی‌ترین نقطه مجد و شرف گام برمی‌دارد؛ و باید گفت آنچه بر این رسالت و بر این اجتماع منطبق می‌شود، بر افراد هم منطبق می‌شود. بنابراین، انسانی که می‌تواند روح خود را مطابق با هدف‌های زندگی بسازد و

شکل دهد و با روح این رسالت زنده همگامی کند. زندگی برای او در سایه عزت محقق خواهد شد و او عضوی مؤثر و عاملی سودمند در اجتماع خویش خواهد بود و از همین جا است که اهمیت تربیت در تکوین و تکامل و شکل‌گیری فرد برای یک زندگی باعزت و ارزشمند کاملاً آشکار می‌شود و پی می‌بریم که کار تربیت، عمل خودسازی بین فرد و محیط او را به‌آسانی فراهم می‌سازد.

در زاویه دیگر از اندیشه‌های تربیتی امام علی علیه السلام، «اندیشیدن»، ضرورتی تربیتی است. امیرمؤمنان علیه السلام علم را با همه رفعت مقامش براساس تفکر بنا نهاده است. روش تفکر در نظر امام علیه السلام دیدن و جمع کردن مطالب و نتیجه‌گیری و عبرت از نتایج تحقیق و بررسی و خلاصه و دقیق‌شدن در اعمال و آفریده‌های الهی است. امام علیه السلام خواهان آن است که این روش در میان مردم رایج شود تا حجاب‌های جهل و ظلمت از میانشان برخیزد و معرفت و ادراک در جامعه انسانی داخل شود:

از فکرکردن، نور و هدایت پدید می‌آید و از غفلت، تاریکی و گمراهی. ای فرزندم! بهترین مطلب که تو از وصیت من فرا می‌گیری، تقوا و پرهیزکاری است و ... نیز وصیت من تو را بر آن می‌دارد ... که آنچه پدران پیشین تو و خویشاوندان صالح تو بر آن بوده و با آن زندگی کرده‌اند، فراگیری ... اگر نفس تو آنچه خویشان صالحت عمل می‌کردند، نپذیرفت و علم و آگاهی آنها را نیافت، لااقل طالب آن باش که خودت در امور خویش تحصیل و فهم و دانایی کنی!

امام علی علیه السلام، با این بیان قانون اندیشه کردن و روش تفکر را ضمن تأیید و تحکیم اصل اعتقاد، برای فرزندش و نیز برای نسل‌های بعدی کاملاً مشخص و در این باب، بر همان روش قرآن در اتکا به عقل و منطق جهت پایدارساختن اعتقاد و دین تأکید کرده است (ادیب، ۱۳۶۲: ۱۸۱ - ۱۷۹). همین وصیت برای تعریف تربیت از نظر امام علیه السلام کافی است؛ و آن امام علیه السلام همین روش تربیت را برای خود و پیروان خود پسندیده است.

امام علی علیه السلام در نامه ۶۱ درباب علم و ارزش آن معتقد است:

ای کمیل! علم بهتر و بابرکت‌تر از مال است؛ زیرا علم ترا حفظ و حراست می‌کند درحالی که مال را تو باید حفظ و حراست نمایی. ثروت بر اثر خرج کردن کم می‌شود درحالی که علم با خرج کردن و



تعلیم دادن آن به دیگری بابرکت و زیاد می‌شود. البته ثروتی که پرورده و گردآمده است، با زوال صاحبش از میان می‌رود.

امام علیه السلام، در جایی دیگر می‌فرمایند: دانش دینی است که با خود دانش ادا می‌شود. انسان با علم می‌تواند در زندگی روح طاعت پیدا کند و پس از مرگش نام نیک کسب کند. علم فرمانده است در حالی که مال و ثروت محکوم است و بر مال و ثروت حکم و فرمان داده می‌شود.

پس از نظر امام علیه السلام، علم انسان را حفظ می‌کند؛ حمایت و پشتیبانی از انسان در برابر سیطره‌ای که محیط ممکن است بر انسان پیدا کند. در نظر امام علیه السلام دانش حکومت می‌کند؛ زیرا آن کس که به سلاح علم مجهز باشد، قدرت شکل‌پذیری و تسلط بر طبیعت دارد و علم در مرحله بعد به انسان قدرت می‌دهد که خود را بشناسد و خودشناسی به جهت تغییر و تکامل و خودسازی به‌عنوان یک اصل نخستین واجب و ضروری است. و از آنجا که در خودشناسی استعدادهای خیر و نیروهای فضیلت تجلی می‌کنند، در این مرحله است که شخص با الهام گرفتن از این معرفت، به‌عنوان یک انسان صاحب شخصیت و صاحب اراده عمل می‌کند (ادیب، ۱۳۶۲: ۱۰۷).

امکان تربیت و آموزش از دیدگاه نهج البلاغه، تربیت (آموزش) ممکن، و روش‌های تربیتی مشخص و روشن است و بهترین روش‌های مقابله با موانع و آفات تربیت نیز بدرستی مورد ارزیابی قرار گرفته است، که فرمود: *فَتَنَسَكَ نَفْسَكَ ! فَقَدْ بَيَّنَّ اللَّهُ لَكَ سَبِيلَكَ، وَحَيْثُ تَنَاهَتْ بِكَ أُمُورُكَ، (زَنهار! زَنهار! در تربیت و سازندگی خویشتن تلاش کن زیرا که خداوند، راهی را که باید بروی، برای تو روشن ساخته است و آینده رفتن تو را مشخص و تبیین فرموده است). و سپس امیدواری می‌دهد که اگر از راه روشن الهی بروید و در تربیت خود و دیگران بکوشید حتماً پیروز شده و به سرچشمه سعادت خواهید رسید.*

أَيُّهَا النَّاسُ، مَنْ سَلَكَ الطَّرِيقَ الْوَاضِحَ وَرَدَ الْمَاءَ وَمَنْ خَالَفَ وَقَعَ فِي التَّيِّهِ! (ای مردم، آن کس که از راه آشکار و جاده حق ره سپارد به آب می‌رسد و کسی را مخالفت کند در حیرت و سرگردانی قرار خواهد گرفت). و آنگاه به ضرورت تربیت و خودسازی اشاره می‌کند که: أَيُّهَا النَّاسُ تَوَلَّوْا مِنْ أَنْفُسِكُمْ تَأْدِيبَهُمْ، وَاعْدِلُوا بِهَا عَنْ ضَرَاوِهِ عَادَاتِهَا. (ای مردم، خودتان عهده دار تربیت نفس خویش باشید و نفس را از کشیده شدن به طرف هوس‌ها و عادت ناروا باز دارید).

تربیت یکی از ارزشمندترین واقعیت نظام هستی است که در همه چیز قابل پیاده شدن و ثمره دادن می باشد. نه تنها انسان را می شود تربیت کرد و در خودسازی و جامعه سازی موفق شد، بلکه حیوانات و نباتات را نیز می شود تربیت کرده و با روش های تربیتی به سوی ارزش ها سوق داد. گرچه موجودات حیاتی همه تربیت پذیرند، اما تربیت پذیری انسان از ویژگی های خاصی برخوردار است، انسان با برخورداری از عقل و تدبیر و عواطف انسانی، تربیت پذیرتر از دیگر موجودات نظام آفرینش می باشد که امام علی علیه السلام می فرماید: *و لا تكونن ممن لا تنفعه العظه إلا إذا بالغت في إيلامه فإن العاقل يتعظ بالأدب، و البهائم لا تتعظ إلا بالضرب.* (از کسانی مباش که پند و اندرز به آنها سودی نمی بخشد مگر آنکه سخت در توبیخ آنها مبالغه شود، زیرا انسان های عاقل با برخورداری از عقل با اندرز و آداب پند بپذیرند، اما چهار پایان با زدن). (نامه ۳۱ نهج البلاغه)

با توجه به پندآموزی و تربیت پذیری انسان، امام علی علیه السلام سفارش می کند که:

در تربیت کودک، و تربیت نفس، و تربیت افراد جامعه باید شتاب نمود و تربیت را از هر کار دیگری مقدم داشت، زیرا ممکن است آداب و روش های زشت و ناروا دل های پاک را آلوده سازد و تربیت و سازندگی را ناممکن نماید. امام علی علیه السلام به فرزندش امام مجتبی علیه السلام می نویسد:

لتستقبل بجد رأيك من الامر ما قد كفاك أهل التجارب بغيته و تجربته.

(من در تعلیم و تربیت تو پیش از آنکه قلبت سخت شود و عقل و فکرت به امور دیگری مشغول گردد مبادرت ورزیدم تا با تصمیم جدی به استقبال کارهائی بشتابی که اندیشمندان و اهل تجربه زحمت آزمون آن را کشیده اند.) (دشتی، ۱۳۹۵).

۴- روش تحقیق

پژوهش حاضر از لحاظ ماهیت و روش با توجه به اینکه محقق وضعیت موجود را مطالعه می کند، پژوهش توصیفی و از نوع اکتشافی می باشد. به منظور بررسی دینی مبانی آموزش نیروی انسانی از منظر نهج البلاغه، مروری سیستماتیک بر سایر مقالات و پژوهش های انجام شده در این زمینه انجام شد که در این راستا از روش اسنادی و کتابخانه ای بهره گرفته شد. روش مورد استفاده تحلیل محتوای متن نهج البلاغه در سه دسته خطبه ها، نامه ها و قصارها و تفسیر آنها می باشد.

۵- یافته‌ها

عبارات مدرج در جدول شماره ۱ تنها نوشته‌ای بسیار محدود از سخنان امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ درباره تعلیم و تربیت آن حضرت در نهج البلاغه است؛ البته تنها همان جمله رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ که متواتر در میان شیعه و سنی است کافی است که فرمود: «أنا مدينة العلم و عليُّ بأبها». یافته‌های پژوهش در قالب جدول ۱ در بخش‌های شرح حدیث در مورد آموزش و تربیت و تفسیر و جایگاه حدیث در فراز نهج البلاغه نمایش داده می‌شود.

جدول شماره ۱: یافته‌های پژوهش

ردیف	متن / شرح حدیث (آموزش و تربیت)	تفسیر	فراز نهج البلاغه		
			خطبه	نامه	قصار
۱	کسی که بدون علم و آگاهی به کاری می‌پردازد مثل کسی است که به بیراهه می‌رود، که هرچه راه می‌رود از مسیر و هدف اصلی دورتر می‌شود. اما کسی که با علم و دانش عمل می‌کند همچون رهروی است که در راهی مشخص و واضح حرکت می‌کند	ضرورت آموزش	✓		
۲	ارزش هر انسانی به اندازه علم اوست	آموزش و افزایش کارایی			✓
۳	به سیرت پیامبرتان اقتدا کنید که برترین سیرت است و به سنت او باشید که هدایت‌کننده‌ترین سنت‌هاست.	روش الگو برداری	✓		
۴	و من در پی او بودم، چنان که بچه شتر در پی مادر است. هر روز برای من از اخلاق خود نشانه‌ای بر پا می‌داشت و مرا به پیروی آن می‌گماشت.	روش الگو برداری	✓		
۵	به خاندان پیامبرتان بنگرید، بدان سو که می‌روند، بروید و پی آنان را بگیرید که هرگز شما را از راه رستگاری بیرون نخواهند کرد	نقش الگوپردازی و الگوپذیری از			





نهج البلاغه - خطبه ۹۷			✓	معصومان <small>علیهم السلام</small> و لزوم پیروی از ایشان را در ابعاد والای تربیتی	و به هلاکتان باز نخواهند آورد. اگر ایستادند، بایستید و اگر برخاستند، برخیزید. بر ایشان پیشی مگیرید که گمراه می شوید و از آنان پس نمائید که تباه گردید
نهج البلاغه - حکمت ۷۳	✓			اصلاح سیره و رفتارها برای کسانی که الگو و سرمشق هستند	هر کس که خودش را در منصب پیشوایی و رهبری مردم قرار داد، لازم است قبل از تعلیم دیگران، نفس خودش را اصلاح کند و باید تأدیب او به وسیله رفتارش، قبل از تأدیب با زبانش باشد. کسی که معلم و تأدیب کننده نفس خویش باشد، شایسته تر به احترام است از معلم و تأدیب کننده دیگران.
نهج البلاغه - حکمت ۳۰۲	✓			اصلاح سیره و رفتارها برای کسانی که الگو و سرمشق هستند	ای مردم! به خدا قسم من شما را به طاعتی بر نمی انگیزم، جز اینکه خود پیش از شما به گزاردن آن برمی خیزم و شما را از معصیتی باز نمی دارم، جز اینکه پیش از شما آن را فرو می گذارم
نهج البلاغه - حکمت ۱۴۷ - امام علی <small>علیه السلام</small> خطاب به کمیل	✓			در باب علم و ارزش	ای کمیل! علم بهتر و بابرکت تر از مال است؛ زیرا علم ترا حفظ و حراست می کند درحالی که مال را تو باید حفظ و حراست نمایی. ثروت بر اثر خرج کردن کم می شود درحالی که علم با خرج کردن و تعلیم دادن آن به دیگری بابرکت و زیاد می شود. البته ثروتی که پرورده و گردآمده است، با زوال صاحبش از میان می رود.



۹	دانش دینی است که با خود دانش ادا می‌شود. انسان با علم می‌تواند در زندگی روح طاعت پیدا کند و پس از مرگش نام نیک کسب کند. علم فرمانده است درحالی که مال و ثروت محکوم است و بر مال و ثروت حکم و فرمان داده می‌شود.	نقش علم و آگاهی در عملکرد انسان		✓	امام علی <small>علیه السلام</small> در نهج البلاغه
۱۰	علم، میراث گران بهائی است و تربیت و آداب ارزشمند اخلاقی، لباس فاخر و زینتی است	ارزش تربیت و آموزش		✓	نهج البلاغه - حکمت ۵
۱۱	من در تعلیم و تربیت تو پیش از آنکه قلبت سخت شود و عقل و فکرت به امور دیگری مشغول گردد مبادرت ورزیدم تا با تصمیم جدی به استقبال کارهائی بشتابی که اندیشمندان و اهل تجربه زحمت آزمون آن را کشیده‌اند.	شتاب در تربیت فرزند		✓	نهج البلاغه - نامه ۳۱ - امام علی <small>علیه السلام</small> خطاب به فرزندش امام حسن <small>علیه السلام</small>
۱۲	عالمی که به غیر دانش خود عمل کند، همانند جاهل سرگردانی است که هرگز از جهلش بیرون نمی‌آید، بلکه حجت بر او عظیم‌تر و حسرت برای او ثابت‌تر و او نزد خدا سزاوار سرزنش بیشتر است.	ضرورت عمل به علم (دانش ذاتی یا اکتسابی)	✓		نهج البلاغه - خطبه ۱۱۰
۱۳	درباره آن چه نمی‌دانی سخن مگویی و درباره آن چه به تو مربوط نیست گفت‌وگو مکن.	عیب نبودن ندانستن		✓	نهج البلاغه - نامه ۳۱
۱۴	علم بر دو قسم است: مطبوع و مسموع و علم مسموع فایده‌ای ندارد، مادامی که مطبوع نباشد، علم مطبوع شامل علوم ضروری است که انسان بالقطره	انواع علم		✓	

نهج البلاغه - حکمت ۳۳۸					آنها را قبول دارد، علم مسموع، علوم اکتسابی و نظری است که مبتنی بر علوم ضروری باشد؛ لذا اگر علوم ضروری نباشد، علوم اکتسابی هم حاصل نمی‌شود.	
امام علی ؑ خطاب به مالک اشتر		✓		برقراری روابط با انسان‌های درست	روابط خود را با افراد با شخصیت و اصیل و خاندان‌های صالح و خوش سابقه برقرار ساز.	۱۵

۶- نتیجه‌گیری

به طور کلی با توسل و تمسک به منبعی غنی چون نهج البلاغه که مجموعه‌ای از نامه‌ها، حکایات و خطبه‌های حضرت امیرالمومنین علی ؑ است، می‌توان به مجموعه کامل و دقیقی جهت تربیت و آموزش نیروی انسانی در عصر حاضر دست پیدا کرد البته باید توجه داشت که در مسیر تربیت اسلامی، حتماً باید به مسئله کرامت و شخصیت انسان‌ها توجه و تعدیل در برخوردها اعمال شود. نکته حائز اهمیت دیگر آن است که اگر در معیار و نکات مطرح شده توسط آن حضرت، خلل و خدشه‌ای وارد شود، و آموزش و تربیت طبق اصول ایشان، در عمل پیاده‌سازی نشود، نمی‌توان انتظار داشت که نیروی انسانی به علم و معرفتی که برای خود و سازمانشان موثر و کارا باشند، دست یابند. با توجه به یافته‌ها می‌توان نتیجه گرفت که در فرآیندهای تربیت نیروهای انسانی از قبیل نظارت و کنترل، انگیزش، مدیریت استعداد، مدیریت دانش و اطلاعات، جبران خدمات، مدیریت عملکرد، آموزش، شایستگی و جذب، گزینش و استخدام، هنجارهای اسلامی تعریف شده‌ای در منابع وجود دارد که مستلزم هنجاریابی است. در این زمینه پیشنهاد می‌گردد که هنجارهای شناسایی شده در پژوهش حاضر به عنوان هنجارهایی جامع و مانع در متن سازمان‌های اسلامی بویژه در مدیریت منابع انسانی مورد استفاده قرار گیرد. همچنین به محققان آتی پیشنهاد می‌گردد که به منظور کشف مجهولات بیشتر در زمینه هنجارهای مدیریت منابع انسانی، هر مقوله شناسایی شده را به تنهایی مورد بررسی قرار دهند.



منابع

- نهج البلاغه، ۱۳۷۹ ش، شریف رضی، محمد بن حسین، ترجمه: محمد دشتی، قم: نشر مشهور
۱. احمدی نسب، زهرا، ۱۳۸۸ ش، سیره آموزشی و تربیتی امام علی علیه السلام. تهران: بهار.
 ۲. ادیب، علی محمدحسین ۱۳۶۲ ش، راه و روش تربیت از دیدگاه امام علی علیه السلام، ترجمه: دکتر سیدمحمد رادمنش. تهران: مؤسسه انجام کتاب.
 ۳. امینی، ابراهیم ۱۳۷۴ ش، اسلام و تعلیم و تربیت (۲)، چاپ سوم، تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان.
 ۴. باقری، خسرو ۱۳۸۸ ش، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی (جلد ۲). تهران: انتشارات مدرسه.
 ۵. دشتی، محمد، ۱۳۹۷ ش، المعجم المفهرس لالفاظ نهج البلاغه، قم: موسسه امیرالمومنین علیه السلام.
 ۶. رایبیز، استفن پی ۱۳۹۲ ش، رفتار سازمانی: مفاهیم، نظریه‌ها، کاربردها، چاپ پانزدهم، ترجمه: دکتر علی پارسائیان و دکتر سید محمد اعرابی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
 ۷. رجبی، محمد، ۱۳۸۱ ش، انسان شناسی، تهران: انتشارات امام خمینی، چاپ ششم.
 ۸. سعادت، اسفندیار ۱۳۸۵ ش، مدیریت منابع انسانی، تهران: انتشارات سمت.
 ۹. سیف، علی اکبر ۱۳۸۱ ش، روان شناسی تربیتی، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
 ۱۰. شکوهی، غلامحسین ۱۳۷۲ ش، تعلیم و تربیت و مراحل آن. چاپ سیزدهم، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
 ۱۱. شیخی، حمیدرضا، ۱۳۷۹ ش، آشنایی با نهج البلاغه امام علی علیه السلام، چاپ اول، تهران: انتشارات سمت.
 ۱۲. صافی، احمد، ۱۳۷۹ ش، آموزش و پرورش ابتدایی — راهنمایی — متوسطه، چاپ اول، تهران: انتشارات سمت.
 ۱۳. صبرکش، علیرضا، ۱۳۹۲ ش، آموزش و توسعه منابع انسانی در سازمان، تهران: امیرکبیر.
 ۱۴. مصباح یزدی، محمد تقی، ۱۳۶۰ ش، اهداف تربیت از دیدگاه اسلام، تهران: سمت.
- مقالات
۱۵. ابطحی، سید حسین ۱۳۸۲ ش، شیوه‌های نوین ارزیابی اثربخشی دوره‌های آموزشی در سازمان‌ها، مجله مدیریت و توسعه، شماره ۱.



۱۶. آرمان، مانی و خسروی، محبوبه ۱۳۹۲ش، اعتبارسنجی الگوی آموزش نیروی انسانی با رویکرد شایستگی، *مطالعات مدیریت (بهبود و تحول)* — سال بیست و سوم شماره ۷۱، پائیز ۹۲ صفحات ۴۹ تا ۷۳.
۱۷. پژوهنده، محمدحسین، ۱۳۸۰ش، تعلیم و تربیت هدف اصلی حکومت امام علی علیه السلام، *اندیشه حوزه شماره ۲۷*.
۱۸. سلطانی رنای، سید مهدی ۱۳۸۷ش، روشهای تربیتی در پرتو نهج البلاغه، *فرهنگ کوثر*، شماره ۷۵.
۱۹. شریعتمداری، مهدی ۱۳۸۳ش، ضرورت و نقش آموزش در بهسازی نیروی انسانی و توسعه در هزاره سوم، *فصلنامه علمی خرد* - سال پنجم شماره ۹.
۲۰. علوی، سید حمید رضا، ۱۳۸۵ش، مبانی آموزش از دیدگاه امام علی علیه السلام، *مجله الهیات و حقوق اسلامی*، بهار و تابستان، شماره ۳.
۲۱. علیزاده، مزده، ۱۳۹۸ش، *مبانی، اصول و روش های تربیتی از منظر امام علی علیه السلام*، با تأکید بر *خطبه یک نهج البلاغه*، کنگره بازخوانی ابعاد شخصیتی امام علی علیه السلام.
۲۲. کریمی، فریبا و سلیمی، محمدرضا، ۱۳۹۴ش، *نقش آموزش در ارتقای بهره وری نیروی انسانی در سازمانها*، دومین کنفرانس بین المللی مدیریت و فرهنگ توسعه.
۲۳. لوی زاده شیرازی، ۱۴۰۰ش، تربیت اسلامی از دیدگاه امیرالمومنین امام علی علیه السلام، *فصلنامه رهیافت های نوین در مطالعات اسلامی*، پاییز - شماره ۸.
۲۴. ندایی، هاشم، ۱۳۹۵ش، روشهای تربیتی ناظر بر رابطه تعاملی مربی و متربی از منظر نهج البلاغه جهت ارتقاء طرح تربیتی شجره طیبه صالحین بسیج، *پژوهشنامه نهج البلاغه*، شماره ۱۵.

پژوهش‌های نهج البلاغه، بهار ۱۴۰۳، شماره ۸۰

